نیک‌نشان، شقایق؛ نصر اصفهانی، احمدرضا؛ میرشاه‌جعفری، ابراهیم؛ فاتحی‌زاده، مریم (۱۳۸۹). میزان استفاده اساتید از روش های تدریس خلاق و بررسی ویژگی های خلاقانه مدرسان دانشگاه از نظر دانشجویان استعداد درخشان. *مطالعات تربیتی و روان شناسی*،۱۱ (۲)، ۱۶۴-۱۴۵.

# میزان استفاده اساتید از روش‌های تدریس خلاق و بررسی ویژگی‌های خلاقانه مدرسان دانشگاه از نظر دانشجویان استعداد درخشان

شقایق نیک‌نشان[۱] - احمدرضا نصر اصفهانی[۲]- ابراهیم میرشاه‌جعفری[۳] — مریم فاتحی‌زاده[۴]

تاریخ دریافت: ۸۸/۹/۱۰ تاریخ پذیرش: ۸۹/۹/۲

**چکیده :**

*هدف این پژوهش بررسی میزان کار بست اصول تدریس خاص دانشجویان استعداد درخشان و ویژگی های مدرسان این دانشجویان در دانشگاه اصفهان میباشد. روش تحقیق علی — مقایسه ای و کمی —کیفی است. در بخش کمی از پرسش‌نامه‌ی محقق ساخته و در بخش کیفی از مصاحبه نیمه سازمان یافته برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش، تعداد ۱۰۲ دانشجوی استعداد درخشان می‌باشد. از این تعداد ۷۰ نفر انتخاب و پرسش‌نامه در اختیار آنان قرار گرفت. برای مقایسه دانشجویان استعداد درخشان با دانشجویان عادی، ۷۰ نفر نیز از بین دانشجویان عادی دانشگاه اصفهان انتخاب گردیدند به منظور انتخاب نمونه مصاحبه شوندگان، از روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع موارد مطلوب استفاده شد. یافته‌های تحقیق در بخش کمی حاکی از آن است که دانشجویان استعداد درخشان و دانشجویان عادی از وضعیت آموزشی ناراضی بوده‌اند. نتایج پژوهش در بخش کیفی نشان می‌دهد متخصصان در خصوص روش‌های تدریس بر سه مقوله‌شامل: کاربرد روش تدریس فعال، روش‌های تدریس خلاق و مشارکتی تأکید کرده‌اند. متخصصان در مورد ویژگی اساتید، بر چهار مقوله ی،هماهنگ بودن دانش اساتید با دانش روز، داشتن تفکر انتقادی، خلاق بودن و آشنا بودن اساتید با شخصیت منحصر به فرد فراگیران تأکید نموده‌اند.*

**واژه‌های کلیدی:** دانشجویان استعداد درخشان، روش تدریس، ویژگی‌های اساتید، خلاقیت

---

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه اصفهان . sh21nikneshan@gmail.com
۲. دانشیار دانشگاه اصفهان.
۳. عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان .
۴. عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان.

## مقدمه

در عصر حاضر سرمایه گذاری بر روی نیروی انسانی برای دست یابی به منابع قدرت حائز اهمیت بسیار است. دانشجویان استعداد درخشان با داشتن خلاقیت و ابتکار بالا، از منابع دست‌یابی به این قدرت به شمار می‌روند. بنابراین، محیط و برنامه‌های درسی دانشگاه باید به گونه ای باشد که مانعی برای رشد و شکوفایی استعداد و خلاقیت این دانشجویان نگردد. به گفته میکر[1] ( ۱۹۸۲) وقتی افراد مجبور شوند به جای بیان عقایدشان تقلید کنند و به جای کارهای پرمعنی تنها به نظم وآراستگی تشویق شوند، خلاقیت نابود میشود. بنابراین مشخص ساختن راهبردهای یاددهی – یادگیری مؤثر برای دانشجویان استعداد درخشان گامی مهم در جهت ارتقاء سطح علمی این دانشجویان می‌باشد. به علاوه، شناسایی این راهبردها و به کارگیری آنها در سطح دانشگاه باعث افزایش رضایت و ایجاد نگرش مثبت این دانشجویان به برنامه‌های درسی دانشگاه و خدمات ارائه شده به دانشجویان می‌شود. از سوی دیگر، سطح آموزش در دانشگاه نیز بهبود می یابد و در نهایت دانشگاه در ایفای نقش خود یعنی آموزش و توسعه سرمایه‌های انسانی موفق‌تر عمل می‌نماید. به منظور تبیین مباحث مطرح شده، در ادامه مقاله پیرامون شیوه‌های تدریس به دانشجویان استعداد درخشان و ویژگی‌های مطلوب مدرسان توضیحاتی ارائه می‌شود:

### ۱- شیوه های تدریس به دانشجویان استعدادهای درخشان

یکی از ارکان اصلی در دانشگاه موضوع آموزش و فرآیند یاددهی و یادگیری است. با توجه به پیشرفت فن‌آوری و ورود به عصر فرا صنعت لازم است فرایند یاددهی- یادگیری در مدارس و دانشگاه نیز با این تحولات هماهنگ گردد و از راهبردهای سنتی انتقال اطلاعات به سمت راهبردهای آموزشی جدید مسئله مداری و مشکل گشایی –که می تواند منجر به رشد توانایی‌های خلاق در دانش‌آموزان و دانشجویان گردد- حرکت نماید. این موضوع در مورد استعدادهای درخشان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است چرا که این افراد از توانایی‌های بالایی برخوردارند و می‌توان با روش‌های مؤثر تدریس آنها را یاری نمود تا بینش خود را وسعت دهند و به این ترتیب قدرت تجزیه و تحلیل مطالب، نقد علمی، توانایی حل مسائل و قدرت ابداع و ابتکار را در آنها افزایش داد. معمولاً روش‌های یاددهی و یادگیری به دو دسته روش های فعال و غیر فعال تقسیم می‌شود. طبیعی است که راهبردهای آموزشی مبتنی بر خلاقیت، مربوط به دسته اول باشد. روش‌های فعال، فرایندی تعاملی است که یادگیرنده در جریان آموزش نقش فعال ایفا نموده و یاددهنده نقش راهنما را دارد (تورنس[2]،۱۹۹۰؛کرکا و گوری[1]، ۱۹۹۰،گوری،۱۹۹۹).لازم به ذکر

1. Maker
1 Torrance

است، اگر چه طرح درس اساتید از پیش طراحی و در اختیار اساتید قرار می گیرد اما این امکان نیز وجود دارد که با توجه به توانمندی‌های دانشجویان و تشخیص اساتید دخل و تصرفاتی درآن صورت پذیرد، به علاوه اساتید میتوانند از روش‌های تدریس فعال نظیر غنی‌سازی نیز متناسب با شرایط و توانایی‌های دانشجویان استفاده نمایند؛ زیرا همان طور که ذکر شد، روش‌های فعال آموزش می‌توانند فرصت لازم برای توسعه مهارت‌های تفکر خلاق و نقاد را هر چه بیشتر فراهم آورند. مهمترین این راهبردها که در ادامه توضیحاتی درباره آنها ارائه می‌شود عبارتند از : ۱- برنامه یادگیری متجانس، ۲- دسته بندی گروهی، ۳- غنی سازی، ۴- تسریع، ۵- الگوی برنامه درسی مبتنی بر حل مسأله و ۶- الگوی برنامه‌غنی‌سازی درسی تلفیقی.

**۱ برنامه یادگیری همگن و متجانس:** کالرس[۲] در سال ۱۹۹۷ مفهوم برنامه‌های همگن و متجانس را مطرح ساخت. و بر اساس این برنامه، برای همه فراگیران صرف نظر از توانایی های آنان، موقعیتی فراهم می‌آید تا آموزش‌های خاصی را در کلاس‌های عادی دریافت نمایند. در این برنامه، فراگیران استعداد درخشان می‌توانند درس ها را با سرعت بیشتری بیاموزند و دروس خاص و مورد علاقه خود را در خارج از برنامه درسی کلاس دنبال کنند (رنزولی و همکاران[۳]، ۱۹۹۹؛آرچامبالت[۴] و همکاران، ۱۹۹۹).

**۲ دسته‌بندی های گروهی :** این گونه دسته‌بندی‌ها هنگامی امکان‌پذیر است که فراگیران مستعد با توانایی‌های مختلف در یک کلاس قرار گرفته باشند. معلم این کلاس باید مهارت‌های خاص برای تدریس به این گروه‌ها را داشته باشد. این روش به سه دلیل مورد حمایت متخصصان می‌باشد که عبارتند از: ۱- مقرون به صرفه بودن، ۲- فراهم آوردن موقعیت مناسب برای فعالیت مشارکتی و ۳- تسهیل یادگیری جامع و یادگیری خارج از کلاس (هوور[۵]، سایلر[۶]،۱۹۹۳؛ میدهانس[۷]، ۱۹۹۷).

**۳ استفاده از برنامه‌های درسی غنی سازی شده:**

این گونه برنامه ها موقعیت‌هایی را برای دانش آموزان فراهم می نماید تا بتوانند بر روی اصول خاص و یا موضوعات مورد علاقه خود به پژوهش بپردازند. مطالعه مضامین و زمینه های خاص، برنامه‌های چالش برانگیز، کنفرانس‌ها و تحقیقات فردی و گروهی از این دسته‌اند. در بسیاری از کشورها این شیوه برای بزرگسالان دارای استعداد درخشان شیوه مناسبی تشخیص داده شده است (رنزولی و گوبینز،۱۹۹۸).

2 Kerka,Gory
3 Culross
4 Rensulli
5 Archumbult
1. Hower
2. Sayler
3. Midhunce

برنامه درسی غنی شده اشاره به فرصت های با ارزش و متنوعی دارد که توسط برنامه درسی در برخی از زمینه‌های خاص فراهم می‌گردد (دیویس[۱]، بیم[۲]،۱۹۸۶). این تغییر و اصلاح در برنامه، ممکن است در زمینه محتوا و یا در زمینه راهبرد های تدریس باشد. هدف از برنامه‌های درسی غنی شده، ارائه برنامه درسی است که هم از لحاظ عمق و هم از لحاظ کمیت گسترده‌تر باشد که همین امر باعث به چالش کشیدن ذهن فراگیران در حیطه‌های خاص خواهد شد.

بنابر عقیدۀ روگراس[۳](۱۹۹۶) برنامه های غنی سازی باعث ایجاد انطباق و سازگاری بیشتر برنامه‌ها و مطالب درسی با استعداد فراگیران گشته و باعث ایجاد انگیزه و علاقه به یادگیری درس در فراگیران استعداد درخشان می‌گردد. علاوه بر آن، باعث کاهش خستگی و کسالت از کلاس و یادگیری که پدیده ای شایع در میان این فراگیران است می گردد. هاولی[۴] (۱۹۸۶) سه نوع الگو را در برنامه‌های غنی سازی سازی مطرح می‌سازد که عبارتند از : برنامه‌های غنی سازی فرایند محور، محتوا محور و محصول محور که در ادامه توضیحات مختصری پیرامون هر یک از سه رویکرد ارائه می گردد:

**الف) غنی سازی فرایند محور:** این رویکرد بیشتر بر روی شیوه‌های تدریس و رویه‌های یادگیری حل مسأله متمرکز است. این روش در کلاس به صورت مطالعات مستقل در خصوص موضوعات مورد علاقه فراگیران و تأکید اساتید بر کاربرد تفکر و مهارت‌های سطح بالا در حل مسائل و مشکلات عادی در موقعیت‌های مختلف، قابل اجرا است.

**ب) غنی سازی محتوا محور:** برنامه‌های غنی سازی در برخی از زمینه‌های درسی نظیر ریاضیات، علوم تجربی (شیمی، فیزیک..) زبان، مباحث مربوط به علوم انسانی و علوم اجتماعی به کار می رود. در این صورت مواد درسی به صورت گسترده تر از لحاظ عمق و کیفیت به فراگیران ارائه می‌گردد. این روش به صورت برگزاری مواردی مانند دوره های فشرده و کوتاه مدت، انجام طرح های پژوهشی فردی و گروهی و انجام سمینارها قابل اجرا می‌باشد.

**ج) غنی سازی محصول یا نتیجه محور:** این رویکرد بر نتایج حاصل از برنامه‌های درسی غنی سازی شده تأکید می‌نماید. این بازده ممکن است در عمل به صورت ارائه سخنرانی، سمینار، ارائه یک مقاله و حتی ابداع و اختراع یک وسیله باشد (هاولی و همکاران، ۱۹۸۶). در واقع، در این شیوه فرایند

4. Daivis
5. Bimm
6. Rogross
7. Howlly

یادگیری باید به صورت عملی نتایج را -که ممکن است تهیه مقاله یا ابداع باشد- در معرض دیده قرار دهد.

**۴.تسریع:** در این حالت، سن فراگیران پایین تر از سن هم کلا سان است و فراگیران می توانند دروس سالهای بالاتر را فرابگیرند. اشکال عمده تسریع آن است که برنامه درسی سال بالاتری که فراگیر دارای استعداد درخشان به عنوان جهشی در آن قرار می گیرد با نیاز های فراگیران استعداد درخشان هم سو و دریک جهت نیست(تاملینسون[1]،۱۹۹۶).

محتوای درسی در برنامه درسی تسریع به گونه ای است که مطالب بیشتر در مدت زمان کمتری ارائه می گردد. در واقع، محتوای درسی در تسریع با محتوای درسی عادی تفاوتی ندارد و فقط سریع تر و یا زودتر به فراگیر استعداد درخشان عرضه می‌شود. از جمله محاسن این شیوه زودتر تمام کردن سطح تحصیلات عادی، کاهش نارضایتی و افت در دوران تحصیل و کاهش مشکل مشابه‌سازی فراگیران دارای استعدادهای درخشان با فراگیران عادی می‌باشد (باسکا[2]، ۱۹۹۹).

تحقیقات بسیار گسترده‌ای از تسریع حمایت نموده‌اند و تنها حدود ۲تا ۵ درصد افراد از این برنامه اظهار نارضایتی نموده‌اند (وستبرگ[3] ،۲۰۰۳). پژوهش ها همچنین نشان می‌دهد تسریع در درس‌های خاصی مانند زبان و ریاضیات بسیار مفید است. به طور کلی، اگر در اجرای این شیوه مطالب درسی با کیفیت بالا تدریس شود، این روش بسیار عالی عمل می‌نماید و باعث کم شدن تعداد سال‌هایی می‌شود که فرد در محیط آموزش طی می‌نماید.

این شیوه در تمام سطوح تحصیل از دبستان تا دانشگاه قابل اجراست و از لحاظ هزینه نیز مقرون به صرفه است. برای اجرای این روش در سطح دانشگاه باید این امکان برای دانشجویان دارای استعداد درخشان فراهم گردد تا آنان بتوانند واحدهای سال‌های بالاتر را سریع‌تر بگذرانند و یا حتی در سطح کارشناسی بتوانند واحدهایی در سطح کارشناسی ارشد اخذ نمایند که برای تحقق این امر لازم است سقف محدود انتخاب واحد از میان برداشته شود و یا تمهیداتی در این زمینه در نظر گرفته شود.

**۵.برنامه درسی مبتنی بر حل مسئله:** توجه و تمرکز بر مهارت‌های تفکر، فرایند تفکر و حل مسأله برای معلمان و اساتید بسیار ضروری است. کاپلان[4] حل مسأله را به عنوان توالی فعالیت های مبتنی بر هدف

---

[1] Tamlinson
[2] .Wan tasel Baska
[3] . Westberg
[4] . Kaplan

و فرایندهای شناختی می‌داند و خاطر نشان می‌سازد که این گونه تفکر باید در برنامه درسی برای فراگیران دارای استعداد درخشان گنجانده شود (کاپلان،۲۰۰۴).

**۶-استفاده از برنامه درسی تلفیقی**: این الگو یک ارتباط منطقی با نیازها و استعدادهای فراگیران در سطوح مختلف ایجاد می کند. این رویکرد در سطوح مختلف به اجرا در می‌آید و این امر از طریق ارائه برنامه‌های چالش برانگیز و انجام پژوهش های عملی، مطالعات اجتماعی، هنر، زبان و مکالمه قابل انجام است. مفروضات این الگو به این شرح است:۱- تأکید بر ارائه محتوا به صورت پیشرفته و غنی سازی شده و ارا ئه چهارجوب مشخص برای رشته‌ها و دروس موردمطالعه،۲-ارائه فرصت‌هایی برای تفکر در سطح بالا، ۳- تمرکز بر تجارب یادگیری مبنی بر موضوعات اساسی، زمینه‌ها و ایده‌ها در دو سطح عملی و نظری در رابطه و حول محور موضوعات اساسی (نیلسون[3] و وارد[4]،۱۹۸۷).

اگر این الگو متناسب با شخصیت فراگیران، کنجکاوی و حساسیت بیش از حد آنان و پیچیدگی خاص شخصیتی فراگیران طراحی شود، می‌تواند پاسخگوی نیازهای منحصر به فرد آنان باشد. در این الگواصول و مفاهیم مربوط به برنامه‌های درسی استعدادهای درخشان چه در حیطه‌های سنتی و چه در حیطه‌های غیرسنتی مشخص می گردد و با مهارت‌های تفکر سطح بالا و برنامه‌های درسی مبتنی بر مفاهیم پیوند خورده است.

## ۲-ویژگی‌های اساتید

اساتید یکی از مهمترین عناصرفرایند آموزشی افراد دارای استعداد درخشان به شمار می‌آیند و در صورتی می‌توانند پاسخگوی نیازهای منحصر به فرد این فراگیران باشند که با ویژگی‌های خاص آنان آشنا باشند. به اعتقاد لاندری[1] (۲۰۰۱) اساتید موفق در زمینهٔ آموزش افراد دارای استعداد درخشان باید بتواند در فراگیران انگیزه لازم را ایجاد نمایند. علاوه بر آن، باید تلاش نمایند اضطراب و ترس آنان تا حد قابل‌قبولی کاهش دهند و الگوهای تفکر واگرا و خلاق را در فراگیران ترغیب نمایند. در همین راستا، آرچامبالت (۱۹۹۳) اظهار می‌دارد، پژوهش ها نشانگر این مطلب است که دانشجویان استعداد درخشان بیشتر زمان خود را به صورت غیرفعال در کلاس‌های درس می‌گذرانند و از موقعیت‌های پیشرفته و یا واحدهای برنامهٔ درسی چالش‌زا به طور متوسط کمتر از یک بار در ماه برخوردار می‌گردند.

---

1. Landry

به اعتقاد سنی[1] (۲۰۰۱) اساتیدی که با دانشجویان استعداد درخشان کار می‌کنند حداقل باید در چندین زمینه اساسی صلاحیت و شایستگی داشته باشند. از جمله این زمینه‌ها آشنایی با شخصیت فراگیران، آگاهی از میزان رشد آنان در جنبه‌های مختلف و آشنایی با شیوه‌ها و سبک یادگیری مورد علاقه آنها می‌باشد. آنها باید بطور ویژه در زمینه برنامه‌های درسی و مهارت در برقراری ارتباطات اجتماعی و تعامل با فراگیران آگاهی زیادی داشته باشند. به طور کلی، این توانایی ها در دو دسته دانش و اطلاعات (زمینه‌های تخصصی وآنچه که نیاز است معلمان و اساتید بدانند) و مهارت‌ها (آنچه که باید اساتید قادر به انجام دادن آن باشند) قرار می گیرند.

## پرسش ها ی پژوهش

اصول تدریس به دانشجویان دارای استعداد درخشان تا چه اندازه در شیوه‌های تدریس اعضای هیأت علمی ملاحظه می‌شود؟

ویژگی‌های مطلوب برای مدرسان دانشجویان استعداد درخشان ، تا چه اندازه در اعضای هیأت علمی دانشگاه اصفهان ملاحظه می‌شود؟

## روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف از نوع کاربردی است و با توجه به استفاده از پرسش نامه و مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته می توان آن را کمی – کیفی نیز نامید.

جامعه آماری این پژوهش شامل سه دسته است، اولین دسته، دانشجویان استعداد درخشان دانشگاه اصفهان هستند. منظور از دانشجویان استعداد درخشان در این پژوهش دانشجویانی هستند که در کنکور سراسری رتبه‌ی زیر ۱۰۰ را کسب نموده‌اند، در المپیادهای علمی و ادبی مقام اخذ نموده اند و یا بر اساس معدل رتبه اول تا سوم رشته خود را کسب کرده‌اند.که سیاهه اسامی آنها توسط معاونت آموزشی دانشگاه مشخص شد. تعداد افراد این جامعه با توجه به افراد فارغ التحصیل،۱۰۲ نفر می باشد.این سیاهه در اختیار مدیران گروه هر رشته نیز قرار می‌گیرد تا این دانشجویان بتوانند از مزایا و خدمات خاصی که دانشگاه در اختیار آنان قرار می‌دهد، بهره مند گردند. به این ترتیب، اساتید نیز می توانند به این سیاهه دسترسی داشته باشند.

جامعه دوم پژوهش متشکل از دانشجویان عادی دانشگاه اصفهان می‌باشند. در نهایت سومین جامعه آماری، جمعی از صاحب‌نظران و متخصصان در زمینه استعدادهای درخشان می باشند. منظور از

1. Senny

صاحب‌نظران کسانی هستند که در این مورد به نگارش مقاله پرداخته اند، دروس مربوط به ایـن دانشـجویان را تدوین یا تدریس کرده‌اند و یا بر اساس تجربه کاری با آنان ارتباط دارند. تعداد افراد ایـن دسـته ۱۰ نفـر می‌باشند که به صورت فردی از آنان مصاحبه نیمه ساختار یافته به عمل آمده است.

از آن جا که در این پژوهش جامعه آماری دانشجویان دارای استعداد درخشـان۱۰۲ نفـر بودنـد کـه ۳۲ نفر از آنان به دلایل مختلف از جمله فارغ التحصیل شدن و یـا عـدم علاقـه از شـرکت در پـژهش انصـراف داده و بر این اساس ۷۰ نفر از دانشجویان دارای استعداد درخشـان در ایـن پـژوهش شـرکت نمودنـد بـرای مقایسه نتایج حاصل از پرسشنامه دانشـجویان اسـتعداد درخشـان بـا دانشـجویان عـادی، حجـم نمونـه گـروه دانشجویان عادی نیز ۷۰ نفر تعیین شد. این افراد از طریق نمونه‌گیـری تصـادفی انتخـاب شـدند و پرسشـنامه دراختیار آنان قرار گرفت. برای مقایسه صحیح بین دو گروه مذکور سعی شد از روش همتا سازی رشـته‌ای استفاده گردد. بدین معنا که دانشجویان عادی از گروه‌هایی انتخاب شوند که دانشجویان اسـتعداد درخشـان در آنها مشغول به تحصیل بودند. برای برآورد حجم نمونـه در انتخـاب متخصصـان، از روش نمونـه گیـری هدفمند از نوع موارد مطلوب استفاده گردیده است.

در این پژوهش برای گردآوری داده ها از پرسشنامه محقق ساخته و مصاحبه فردی، حضوری و نیمه ساختارمند استفاده شده است. پرسشنامه پژوهش به بررسی روش‌های تدریس و ویژگی‌های شخصیتی اساتید می‌پردازد. به علاوه برای نمره گذاری پرسش ها در پرسش نامه از طیف پنج درجه ای لیکرت استفاده شده است. روش‌های بهبود این دو بعد با استفاده از مصاحبه بررسی گردید. برای ساخت پرسشنامه ابتدا یک مصاحبه گروهی با تعدادی از دانشجویان استعداد درخشان ترتیب داده شد و سپس پیشینه موضوع با دقت مطالعه شد. لازم به ذکر است که تعداد پرسش های پرسشنامه در بعد روش‌های تدریس پانزده پرسش و در بعد ویژگی‌های اساتید۱۳ عدد می‌باشد. پایایی پرسشنامه بر اساس روش آلفا کرانباخ ۰/۹۴ تعیین شده است. و روایی آن نیز توسط اساتید و متخصصان، مناسب تشخیص داده شد.

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های پرسشنامه از شاخص‌هـای آمـار توصـیفی و اسـتنباطی در محـیط نـرم افزارSPSS استفاده شده است. در سطح آمار توصـیفی از فراوانـی، درصـد، میـانگین و انحـراف معیـار بـه منظور توصیف واقعیت‌های جمع‌آوری شده استفاده شده است. درسطح آمـار اسـتنباطی، ازآزمـون t تـک نمونه‌ای، آزمون t مستقل استفاده شده است. همان گونه که پیشـترذکر شـد، روش‌هـای بهبـود ایـن دو بعـد (روش‌های تدریس و ویژگی‌های اساتید) با استفاده از مصـاحبه نیمـه سـاختار منـد بررسـی گردیـد. بـرای تدوین سوالات مصاحبه به دلیل در دسترس نبودن فرم سوالات استاندارد در رابطه با موضوع این پـژوهش،

سوالات توسط پژوهشگران تدوین و در اختیار صاحب‌نظران قرار گرفت و بدین صورت روایی سوالات مورد تایید قرار گرفت. جهت تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها به دلیل نبودن چار چوب نظری از پیش تدوین شده برای مقوله‌بندی در رابطه با این موضوع، مقوله بندی با توجه به مبانی نظری و نظر متخصصان انجام شد.

## یافته‌ها

در پاسخ به پرسش نخست پژوهش: اصول تدریس به دانشجویان استعداد درخشان تا چه اندازه در شیوه های تدریس استادان گروه آموزشی ملاحظه می شود؟پرسشنامه ای ۱۵ سوالی بر اساس مقیاس لیکرت طراحی شد. خلاصه ی آماره های به دست آمده برای هر یک از پرسش های پرسش نامه در جدول (۱) آمده است.

جدول (۱): مقایسه میانگین نمره سؤال های مربوط به شیوه های تدریس استادان از نظر دو گروه دانشجویان

| شماره | گویه‌ها | استعداد درخشان | | عادی | | T | P |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | | $\bar{X}$ | S | $\bar{X}$ | S | | |
| ۱ | واگذاری ارائه بخشی از محتوا به دانشجویان توانا | ۳/۰۸ | /۸۶۳ | ۳ | ۱/۰۴ | ۰/۵۲۸ | ۰/۵۹۹ |
| ۲ | طرح مسأله و بحث در رابطه با موضوع درس | ۳/۱۱ | ۰/۸۹۳ | ۳/۱۸ | ۰/۹۲۱ | ۰/۴۶۶ | ۰/۶۱۲ |
| ۳ | تقویت ایده های نو و خلاق مرتبط با درس در دانشجویان | ۳/۰۵ | ۱/۰۷ | ۲/۳۵ | ۰/۹۴۸ | ۴/۰۸ | ۰,۰۰۰ |
| ۴ | توجه بر تفکر انتقادی در بحث و تدریس | ۲/۸۲ | ۱/۰۴ | ۲/۷۰ | ۱/۰۸ | ۰/۷۱۴ | ۰/۴۷۶ |
| ۵ | تدریس بر اساس نکات کلیدی و مفاهیم اساسی درس | ۳/۲۱ | ۰/۸۶۶ | ۳/۲۷ | ۱/۰۲ | ۰/۳۵۷ | ۰/۷۲۲ |
| ۶ | مرتبط نمودن موضوعات درس با شرایط واقعی زندگی | ۲/۶۸ | ۱/۰۹ | ۲/۵۷ | ۰/۹۴۱ | ۰/۶۶۱ | ۰/۵۰۹ |

| | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۷ | مرتبط نمودن مفاهیم اساسی درس به سایر دروس رشته | ۲/۷۰۴ | ۱/۰۳ | ۲/۵۸ | ۰/۸۷۶ | ۰/۹۷۲ | ۰/۳۳۳ |
| ۸ | استفاده از روشهای مختلف‌درتدریس (سخنرانی و ...) | ۲/۴ | ۱/۱۱ | ۲/۸۲ | ۱/۰۷ | ۰/۴۶۳ | ۰/۶۴۶ |
| ۹ | استفاده از رایانه و سایر رسانه ها در تدریس | ۲/۲۰ | ۱/۳۹ | ۱/۵ | ۰/۸۶۳ | ۳/۵۶ | ۰/۰۰۱ |
| ۱۰ | توجه و تأکید اساتید بر انجام تحقیق انفرادی توسط دانشجویان | ۲/۷ | ۱/۰۳ | ۲/۶۸ | ۰/۹۸۶ | ۱/۰۸ | ۰/۲۹۷ |
| ۱۱ | اختصاص بخشی از کلاس به بحث آزاد پیرامون درس | ۲/۶۷ | ۱/۲۲ | ۲/۴۲ | ۱/۰ | ۱/۲۸ | ۰/۲۰۱ |
| ۱۲ | طرح سؤالاتی که نیاز به تفکر زیاد و تجزیه و تحلیل دارد | ۲/۶۱ | ۱/۰۵ | ۲/۴۰ | ۱/۰۱ | ۱/۲۲ | ۰/۲۲۲ |
| ۱۳ | تأکید اساتید بر انجام پژوهش های گروهی توسط دانشجویان | ۲/۱۸ | ۱/۲۰ | ۲/۲۲ | ۱/۰ | ۰/۲۲۲ | ۰/۸۲۴ |
| ۱۴ | استفاده از روشهای تدریس فعال | ۲/۱۵ | ۱/۲۳ | ۲/۰۵ | ۱/۱۵ | ۰/۴۹۵ | ۰/۶۴۱ |
| ۱۵ | تدریس مشارکتی یک درس توسط دو یا چند استاد | ۱/۸۵ | ۱/۱۴ | ۱/۶۷ | ۱/۱۵ | ۰/۹۴۷ | ۰/۲۳۵ |

بر اساس یافته های جدول (۱)، از پانزده گویه مربوط به شیوه‌های تدریس اساتید، t مشاهده شده در گویه های شماره ۳"تقویت ایده‌های نو و خلاق" و گویه شماره ۹"استفاده از رایانه و سایر رسانه‌ها در تدریس" معنا دار است. به عبارت دیگر دیدگاه دانشجویان استعداد درخشان و عادی در این دو مورد به طور معناداری متفاوت است. در هر دو مورد دانشجویان عادی شیوه‌های تدریس اساتید را ضعیف ارزیابی نموده اند. بر اساس نتایج جدول (۱)، بیشترین میانگین از نظر دانشجویان عادی مربوط به گویه ۵

"تدریس بر اساس نکات کلیدی و مفاهیم اساسی موضوعات درسی " (M=۳/۲۷) و کمترین میانگین مربوط به گویه شماره۳ "تقویت ایده های نو و خلاق مرتبط با درس" (M=۲/۳۵) بوده است.

از نظر دانشجویان استعداد درخشان، بیشترین میانگین مربوط به گویه شماره ۲ «طرح مسأله و بحث در رابطه با موضوع درس» (۳/ ۱۱ =M) و کمترین میانگین مربوط به گویه شماره ۱۵ «تدریس مشارکتی یک درس توسط دو یا چند استاد» (M=۱/۸۵) بوده است. که البته دراین پژوهش، ۳/۵ به منزله معیارفرض شده است زیرا از دانشگاه انتظار می رود تا با توجه به توانایی های دانشجویان استعداد درخشان، کیفیت تدریس و ویژگی های اساتید خود را با هدف پرورش خلاقیت وکارآفرینی بالاتر از حد متوسط نماید.

جدول (۲) مقایسه میانگین شیوه های تدریس استادان با معیار فرضی ۳/۵ از نظر دانشجویان استعداد درخشان

| | $\overline{X}$ | Σ | Σε | T |
|---|---|---|---|---|
| شیوه‌های تدریس | ۲/۶۷ | ۰/۷۵۴ | ۰/۹۰ | -۹/۱۷ |

بر اساس یافته‌های جدول (۲)، t مشاهده شده از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای ۵ درصد کوچکتر است به این معنی شیوه تدریس استادان، از نظر دانشجویان استعداد درخشان کمتر از سطح مطلوب ارزیابی شده است.

جدول (۳): مقایسه میانگین شیوه های تدریس استادان با معیار فرضی ۳/۵ از نظر دانشجویان عادی

| | $\overline{X}$ | Σ | Σε | T |
|---|---|---|---|---|
| شیوه‌های تدریس | ۲/۵۲ | ۰/۵۳۶ | ۰/۶۴ | -۱۵/۲۰ |

درجدول (۳)، t مشاهده شده از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای ۵ درصد کوچکتر است، به این ترتیب می توان نتیجه گیری کرد که شیوه تدریس استادان، از نظر دانشجویان عادی کمتر از سطح مطلوب ارزیابی شده است.

## روش‌های تدریس مناسب برای شکوفاسازی توانایی‌های دانشجویان استعداد درخشان

همانگونه که پیشتر بیان شد برای شناخت روش‌های موثر تدریس به دانشجویان استعداد درخشان مصاحبه ای با متخصصان انجام پذیرفت. خلاصه ای از یافته‌ها در این قسمت ارائه می شود.:

۱- **کاربرد روش‌های فعال در تدریس:** سه نفر از مصاحبه شوندگان بر کاربرد روش تدریس فعال و مبتنی بر بحث و گفتگو در کلاس تأکید داشتند و معتقد بودند که روش تدریس سخنرانی که استاد

صرفاً اطلاعات را به دانشجویان منتقل نماید، نمی‌تواند روش مناسبی برای انتقال اطلاعات به فراگیران باشد. البته یکی از مصاحبه شوندگان توضیح داد که:"معمولاً در روش تدریس، صحبت از کاربرد روش فعال است، اما باید به این نکته نیز توجه داشت که آمادگی قبلی دانشجویان تا چه اندازه است. در صورتی که دانشجویان از مسأله طرح شده در کلاس اطلاعات قبلی داشته باشند، می‌توان از روش فعال استفاده نمود، اما در صورتی که چنین آمادگی وجود نداشته باشد، استاد باید نقش انتقال دهنده داشته باشد و مطالب را بسط دهد" (فرد شماره ۲، ۱۳۸۴).

۲– **استفاده از روش‌های تدریس خلاق:** مناسب‌ترین روش برای شکوفاسازی استعدادها و توان ابتکاری دانشجویان استعداد درخشان، استفاده از روش‌های تدریس خلاق است. با استفاده از این روش‌ها دانشجویان می‌توانند به ارائه یک فرضیه و یا یک الگوپردازند، ابداع کنند و در نهایت ایده‌های نو و محصولات نو بر اساس تراوشات ذهنی آنان ارائه گردد. این امر در صورتی میسر است که اساتید در تدریس خود متکی به روش سخنرانی و ارائه اطلاعات محض نباشند. یکی از صاحبنظران در این باره چنین می‌گوید: "متکی بودن دانشجو به کتاب و استفاده از روش سخنرانی محض عامل اصلی سرخوردگی دانشجو و بزرگترین مانع بر سر راه بیان خلاق عقاید و حتی ارائه یک الگوی علمی از سوی دانشجویان است"(فرد شماره ۷، ۱۳۸۴).

۳ **تدریس مشارکتی:** ارائه یک درس به صورت مشارکتی از جمله روش هایی است که می‌تواند تدریس اساتید را بهبود بخشد. در این رویکرد، یک درس به وسیله دو یا چند استاد متخصص ارائه می‌گردد و علت این امر آن است که هر استاد در بخش خاصی از درس تخصص دارد و این امر به بهبود یادگیری دانشجویان کمک می‌نماید. به اعتقاد فرد شماره ۷، تدریس مشارکتی از جمله روش‌های بهبود فرایند یاددهی ـ یادگیری است، اما هنگامی بهترین تأثیر را دارد که اساتید قبل از شروع ترم با هم به هماهنگی لازم رسیده باشند تا بتوانند مطالب یکدیگر را تکمیل نمایند و درس را به صورت منسجم ارائه دهند. علاوه بر آن، اساتیدی که برای یک درس انتخاب می‌گردند باید در حیطه مورد نظر مهارت لازم را داشته باشند.

۲–در بخش دیگری از پژوهش، به منظور پاسخگویی به دومین پرسش پژوهش ویژگیهای مدرسان دانشجویان استعداد درخشان تا چه اندازه در استادان گروه شما قابل ملاحظه است؟ پرسش" نامه ای با ۱۳ گویه طراحی شد. جدول شماره ۴، مقایسه میانگین نمره اساتید و ویژگی های اساتید از نظر دو گروه مورد بررسی را نشان می دهد.

جدول (۴): مقایسه میانگین نمره ویژگی‌های اساتید گروه تخصصی از نظر دوگروه

| شماره | گویه ها | استعداد درخشان | | عادی | | T | P |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | | $\bar{X}$ | S | $\bar{X}$ | S | | |
| ۱ | دارا بودن اطلاعات در حد قابل قبول در رابطه با موضوع درس | ۲/۷۴ | ۱/۱۷ | ۲/۹۲ | ۱/۳۷ | ۰/۸۹۵ | ۰/۳۹۲ |
| ۲ | توانایی استفاده از نرم‌افزارهای آموزشی مربوط به درس و اینترنت در تدریس | ۳/۰۱ | ۱/۱۷ | ۲/۶۰ | ۱/۲۶ | ۲/۰۰ | ۰/۰۴۷ |
| ۳ | احترام به نظرات دانشجویان (ولو مخالف با نظریات خودشان) | ۲/۴۸ | ۱/۰۴ | ۲/۴۵ | ۱/۲۸ | ۰/۱۴۴ | ۰/۸۸۵ |
| ۴ | توانایی برقراری ارتباط صمیمانه با دانشجویان | ۲/۹۴ | ۱/۱۰ | ۲/۹۷ | ۰٫۹۷۷ | ۰/۱۶۲ | ۰٫۸۷۱ |
| ۵ | دارا بودن انتظارات سطح بالا از دانشجویان | ۲/۱۷ | ۱/۰۸ | ۲/۹۱ | ۰/۹۸۸ | ۰/۱۴۶ | ۰٫۱۴۶ |
| ۶ | توانایی به چالش کشاندن ذهن دانشجویان و ایجاد مرتبط با درس | ۳/۰۵ | ۱/۱۱ | ۲/۸۸ | ۱/۹۲۵ | ۰/۹۹۰ | ۰/۳۲۴ |
| ۷ | به روز بودن دانش اساتید | ۳/۱۲ | ۰/۹۹۱ | ۲/۸۲ | ۰/۹۶۲ | ۱/۸۱ | ۰/۰۷۲ |
| ۸ | اهمیت دادن به تفاوت های فردی و ویژگیهای منحصر به فرد دانشجویان | ۳/۰۲ | ۱/۲۱ | ۲/۵۲ | ۲/۲۹ | ۲/۲۵ | ۰/۰۲۰ |
| ۹ | در دسترس بودن و حضور کافی اساتید برای راهنمایی دانشجویان | ۲/۵۸ | ۱/۰۱ | ۲/۶۵ | ۱/۰۶ | ۰/۴۰۷ | ۰/۶۸۵ |
| ۱۰ | اهمیت قائل شدن برای نیازها و علایق دانشجویان | ۲/۶۸ | ۰/۹۰۹ | ۲/۵ | ۱/۰۵ | ۱/۱۱ | ۰/۲۶۷ |
| ۱۱ | توانایی ایجاد انگیزه و علاقه در دانشجویان | ۲/۶۸ | ۱/۰۵ | ۲/۵۲ | ۱/۰۱ | ۰/۹۱۵ | ۰/۳۶۲ |
| ۱۲ | باورداشتن‌قابلیت‌علمی دانشجویان | ۲/۶۷ | ۱/۰۸ | ۲/۸۴ | /۹۸۳ | /۰۹۷۷ | ۰/۳۳ |
| ۱۳ | توانایی تقویت حس یادگیری مادام‌العمر در دانشجویان | ۲/۵۷ | ۱/۰۱ | ۲/۴۵ | ۱/۰ | ۰/۶۷ | ۰/۵۰۴ |

نتایج جدول (۴) نشان می‌دهد از نظر دانشجویان استعداد درخشان بیشترین درصد تجمعی گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد مربوط به گویه شماره ۷ «به روز بودن دانش اساتید» با ۴۴/۳ درصد (M= ۳/۱۲) و کمترین درصد مربوط به گویه شماره ۱۰ «اهمیت قائل شدن برای نیازها و علائق دانشجویان» با ۱۰درصد بوده است. یافته های جدول (۴) نشان می‌دهد بیشترین درصد تجمعی گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد از نظر دانشجویان عادی مربوط به گویه شماره ۱ «دارا بودن اطلاعات در حد قابل قبول در رابطه با موضوع

درس» با ۳۸/۶ درصد ((۹۲/ ۲ =M ) و کمترین درصد مربوط به گویه شماره ۱۳«توانایی تقویت حس یادگیری مادام‌العمر در دانشجویان » با ۱۰ درصد (۴۵/ ۲ =M ) بوده است.

بر اساس یافته های جدول (۴)، از ۱۳ گویه مربوط به ویژگی‌های اساتید در گروه تخصصی، τ مشاهده شده در سطح ۰۵/ ۰ ≥ Π در گویه شماره ۲ «استفاده از نرم‌افزارهای آموزشی مربوط به درس و اینترنت در تدریس» وگویه شماره ۸ «اهمیت دادن به تفاوت های فردی و ویژگی های منحصر به فرد دانشجویان» معنادار بوده است. بنابراین، بین نظرات دانشجویان استعداد درخشان و دانشجویان عادی در این دو مورد تفاوت معنی دار وجود دارد.

جدول (۵): مقایسه میانگین نمره ویژگی اساتید با معیار فرضی ۳/۵ از نظر دانشجویان استعداد درخشان

| | $\overline{X}$ | S | Se | T |
|---|---|---|---|---|
| ویژگی اساتید گروه تخصصی | ۲/۸۰ | ۰/۷۲۶ | ۰/۰۸۶ | -۷/۹۸ |

همان گونه که در جدول شماره(۵) مشاهده می شود، t مشاهده شده از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای ۵درصد کوچکتر می باشد. بنابراین ویژگی‌های اساتید از دیدگاه دانشجویان اس‌تعداد درخشان کمتر از سطح متوسط است.

جدول (۶): مقایسه میانگین نمره ویژگی اساتید گروه تخصصی با معیار فرضی ۳/۵ از نظر دانشجویان عادی

| | $\overline{X}$ | S | Se | T |
|---|---|---|---|---|
| ویژگی اساتید گروه تخصصی | ۲/۶۶ | ۰/۶۴۳ | ۰/۰۷۶ | -۱۰/۸۳ |

یافته‌های جدول (۶) نشان می‌دهدکه t مشاهده شده از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای ۵ درصد کوچکتر می‌باشد. به این ترتیب، ویژگی‌های اساتید گروه تخصصی از نظر دانشجویان عادی کمتر از سطح متوسط است.

### ویژگی‌های مدرسان دارای دانشجویان استعداد درخشان

در رابطه با ویژگیهای اساتید، متخصصان بر پنج ویژگی زیر اشاره نموده‌اند که در ادامه دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان در این زمینه مطرح می‌گردد.

**۱-داشتن توان علمی بالا و هماهنگ بودن آن با دانش روز جهان:** در حال حاضر یکی از معضلات دانشگاه و علت اصلی نارضایتی دانشجویان، پایین بودن سطح علمی برخی از اساتید است. این نکته یکی از مواردی است کهتمامی مصاحبه شوندگان در مورد آن اتفاق نظر داشتند و البته اظهار داشتند

این معضل بیشتر در رشته‌های مربوط به علوم انسانی به چشم می‌خورد. یکی از مصاحبه شوندگان در این باره اظهار می‌دارد که مشکل ناکارآمدی و عدم تخصص اساتید معمولاً در رشته‌های علوم انسانی به چشم می‌خورد. از دید این استاد، علت این امر آن است که در رشته‌های علوم انسانی، معمولاً اساتید درس‌های متفاوت و متنوعی را تدریس می‌کنند در حالی که در همهٔ آنها تخصص لازم را ندارند. یکی از دلایل این رویداد این نکته است که برخی اظهار می‌کنند دانشگاه مجبور است به استاد ناکارآمد هم حداقل چند واحد درس بدهد(۱۳۸۴). به زعم ۷۰٪ از مصاحبه شوندگان، برای حل این مشکل باید تغییرات اساسی در سیستم گزینش اساتید در دانشگاه بعمل آید. یکی از مصاحبه شوندگان در این باره می‌گوید: "واقعاً تعجب‌آور است که با وجود نیروهای کارآمد متخصص و فارغ التحصیلانی که از توانایی های بالقوه بالایی برخوردارند هنوز هم در بسیاری از دانشکده ها از اساتید با مدرک کارشناسی ارشد برای تدریس استفاده می‌شود" (فرد شماره ۷، ۱۳۸۴).

**۲- دارا بودن تفکر انتقادی:** ۵۰٪ از مصاحبه شوندگان به لزوم بررسی نقادانه امور و بحث و انتقاد در رابطه با موضوع درس بسیار تأکید داشتند. یکی از مصاحبه شوندگان دربارهٔ انتقاد پذیری اساتید معتقد است: "استاد در کلاسی که دانشجوی استعداد درخشان وجود داشته باشد زیر فشار پاسخگویی علمی است. استاد باید با دیدی انتقادی با مسائل علمی برخورد نماید ولی معمولاً اساتیدی که سطح علمی بالایی ندارند خط قرمزهای بیشتری را در مورد سؤالات دانشجویان در نظر می‌گیرند و به دانشجویان اجازهٔ انتقاد را نمیدهند".

**۳- خلاق بودن استاد:** ۷۰٪ از مصاحبه شوندگان، خلاق بودن اساتید را شرطی لازم برای بهبود فرایند تدریس و استفاده از روش‌های تدریس خلاق می‌دانند. به نظریکی از مصاحبه شوندگان"اساتیدی که خود خلاق نباشند، نمی‌توانند دانشجویان خلاقی تربیت کنند. استاد خلاق میتواند دانشجویان را به سمت تفکر واگرا هدایت نماید و دانشجویانی مولد و مبتکر تربیت نماید. این وظیفه دانشگاه است که هنگام گزینش اساتید، استادان خلاق را انتخاب نمایند و یا لااقل آنها را با روش‌های تدریس خلاق آشنا نماید" (فرد شماره۷، ۱۳۸۴ ).

**۴- آشنا بودن اساتید با شخصیت منحصربه فرد دانشجویان استعداد درخشان:** یکی از مشخصات اساتید موفق آن است که با توانایی‌ها، ویژگی ها و شخصیت مخاطبان خود آشنایی داشته باشند. این امر در مورد اساتیدی که مخاطبان دارای استعداد درخشان دارند از اهمیت بیشتری برخوردار است، زیرا این دانشجویان به علت توانایی‌های بالقوه خود، نیازها و انتظارات خاصی از استاد و کلاس درس دارند

و اساتیدی که با ویژگی‌های روانی و شخصیتی این دانشجویان آشنا نباشد نمی‌توانند تدریس اثر بخشی داشته باشند. در این رابطه یکی از مصاحبه شوندگان اظهار می‌دارد: "اساتیدی که با دانشجویان استعداد درخشان کار می‌کنند معمولاً از لحاظ نوع برخورد دچار مشکل می‌شوند. علت این مسأله در آن است که ویژگی‌های شخصیتی و روانی دانشجویان استعداد درخشان را نمی‌شناسند و با مختصات فکری آنان آشنایی ندارند. به همین جهت نمی‌توانند روش‌های تدریس و ارزشیابی مناسب را نیز برای آنان در نظر بگیرند" (فرد شماره ۱، ۱۳۸۴). به نظر ۶۰٪ از مصاحبه شوندگان، برگزاری کارگاه‌ها، سمینارها و دوره‌های آموزشی با هدف شناسایی ویژگی‌ها، نیازها و انتظارات دانشجویان استعداد درخشان برای همهٔ اساتیدی که با این دانشجویان کار میکنند، بسیار ضروری است.

## بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج به دست آمده از این پژوهش میتوان چنین استنباط نمود که دانشجویان استعداد درخشان از کیفیت تدریس اساتید رضایت کامل نداشته‌اند. بر اساس یافته‌های جدول ۱که شاخص‌های تدریس اثربخش برای دانشجویان استعداد درخشان را نشان میدهد، توجه به شیوه تدریس مشارکتی ضعیف ترین شاخص و بحث پیرامون درس مناسب‌ترین شاخص تدریس اساتید بوده است.

همچنین نتایج به دست آمده از جدول۱حاکی است که بیشتر اساتید دانشگاه اصفهان از روش طرح بحث و سؤال درکلاس درس استفاده می‌نمایند، که این امر یکی از نقاط قوت اساتید در دانشگاه اصفهان محسوب می شود.از دیدگاه دانشجویان استعداد درخشان، تدریس مشارکتی، در دانشگاه اصفهان به ندرت صورت میگردد، این در حالی است که در ادبیات آموزش عالی، تدریس مشارکتی توسط چند استاد، عاملی است تا از طریق آن هر یک از اساتید به تدریس مطالب کاملاً تخصصی بپردازند.این امر باعث بالا رفتن سطح علمی دانشجویان می‌شود (مک نیل[1] ، 2004).

بر اساس یافته‌های حاصل از پژوهش، دانشجویان عادی دانشگاه اصفهان تدریس بر اساس مطالب و نکات کلیدی و مفاهیم اصلی موضوعات درسی را خوب ارزیابی نموده اند.که نشان دهندهٔ عدم انحراف اساتید از موضوع اصلی درس در حین تدریس است . با این وجود، توانایی اساتید در تقویت ایده‌های نو و خلاق در دانشجویان را ضعیف ارزیابی نموده اند (جدول۱). این در حالی است که در عصر حاضر، بیش

1. Mc-neel

از هر زمانی دیگر تأکید بر آموزش و استفاده از روشهای تدریس خلاق است و از دانشگاهها خواسته می‌شود تا دانشجویانی خلاق و کارآفرین به جامعه تحویل دهند. دانشجویانی که توانایی ایجاد کار برای خود و دیگر افراد جامعه را داشته باشند و بتوانند به عنوان عنصری خلاق و پویا در صنعت و سایر بخش‌های جامعه فعالیت نمایند که این امر مستلزم آموزش خلاق و کارآفرین است. به نظر می‌رسد در این زمینه،تشکیل کارگاه های آموزش خلاقیت برای آشنا سازی اساتید مفید واقع شود.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد از یازده شاخص مربوط به شیوه‌های تدریس، تفاوت دیدگاه‌های دانشجویان استعداد درخشان و عادی فقط درالگوی"تقویت ایده های نو و خلاق در دانشجویان"و"استفاده از کامپیوتر و سایر رسانه ها در تدریس" معنا دار بوده است (جدول ۱). نکته حائز اهمیت آن است که کیفیت تدریس از دید هر دو دسته ضعیف‌تر از سطح متوسط ارزیابی شده است. بنابراین، برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی آشنا ساختن اساتید با روش‌های تدریس خلاق و فعال ضروری می‌باشد. نتایج دست آمده از این پژوهش با نتایج پژوهش احمدی (۱۳۸۲)، سراج زاده (۱۳۸۲) ، مختاری پور و جمشیدیان (۱۳۸۲)، حسینی (۱۳۸۲ – ۱۳۸۷) و مک نیل (۲۰۰۴) هم‌خوانی دارد.

بر اساس نتایج به دست آمده از پژوهش، در رابطه با ویژگی‌های اساتید، دانشجویان استعداد درخشان به روز بودن دانش اساتید را بهترین شاخص ارزیابی نموده اند ولی اهمیت قائل شدن برای نیازها وعلائق دانشجویان را ضعیف ترین شاخص معرفی کرده اند (جدول ۴). این در حالی است که یکی از مهم‌ترین مشخصه های آموزش موفق توجه به نیازها و علائق دانشجویان است.

در مصاحبه های انجام شده با اساتید، تعداد زیادی از آنها بر این باورند که نباید سطح علمی دانشگاه را فدای علائق و خواسته‌های نابه جای دانشجویان نمود و توجه به علایق فردی دانشجویان ممکن است در دراز مدت به زیان نیازهای جامعه باشد. علاوه بر آن، مدت برگزاری کلاس‌های درس، اجازهٔ توجه به علایق دانشجویان را نمی‌دهد. به علاوه نتایج حاصل از پژوهش نشان میدهد دانشجویان عادی نیز مانند دانشجویان استعداد درخشان "به روز بودن دانش اساتید" را خوب ارزیابی نموده اند. که خوشبختانه این امر نشان می‌دهد که اساتید دانشگاه اصفهان از سطح علمی قابل قبولی برخوردار هستند.

نکته حائز اهمیت دیگر در این پژوهش آن است که ویژگی‌های اساتید به طور کلی بهتر از روش‌های تدریس اساتید ارزیابی شده است. بنابراین می‌توان امیدوار بود که با برگزاری دوره‌های آموزش ضمن خدمت، کیفیت آموزش را بتوان در این دانشگاه بهبود بخشید. در این دوره‌ها، اعضای هیأت علمی باید نسبت به چگونگی تدریس به این دانشجویان، ویژگی‌های شخصیتی و توانمندی‌های آنان نیز آگاهی‌هایی

کسب کنند. در کنار برگزاری این دوره ها لازم است گزینش اعضای هیات علمی به ویژه برای دانشگاه‌های مادر،با دقت نظر بیش تری انجام پذیرد.

همچنین نتایج پژوهش نشانگر آن است که دانشجویان استعداد درخشان در این دو حیطه (روش‌های تدریس و ویژگی های اساتید) وضعیت را بهتر از دانشجویان عادی ارزیابی نموده اند. شاید یکی از دلایل این امر آن باشد که دانشگاه امکانات بیشتری برای دانشجویان استعداد درخشان فراهم می‌کند و همین امر می‌تواند باعث افزایش رضایت این دانشجویان گردد به علاوه اساتید نیز به دانشجویانی که بر چسب استعداد درخشان دارند، توجه بیشتری مبذول می‌نمایند. این در حالی است که روش‌های شناسایی دانشجویان استعداد درخشان تنها با معیار موفقیت و رتبه کنکور سنجیده می شود که. این امر نمی تواند ملاک قابل اطمینانی برای این بر چسب ها باشد و دانشگاه باید با هدف پرورش خلاقیت و کار آفرینی و افزایش رضایت مندی در تمامی دانشجویان چه عادی و چه استعداد درخشان به تجدید نظر در برخی از معیارهای خود پردازد.

## منابع

احمدی، احمد. (۱۳۶۲). بررسی رضایت دانشجویان استعداد درخشان اصفهان؛. *مجموعه مقالات همایش ملی استعدادهایدرخشان، دانشگاه اصفهان.*

حسینی، ا.(۱۳۷۸). *ماهیت خلاقیت و شیوه‌های پرورش آن*. مشهد: آستان قدس رضوی.

حسینی، افضل السادات.( ۱۳۸۲). شیوه‌های تدریس اثربخش برای استعدادهای درخشان، اصفهان، *مجموعه مقالات دومین همایش ملی استعدادهای درخشان.*، دانشگاه اصفهان.

سراج زاده، جعفر. (۱۳۸۲). بررسی زمینه اجتماعی دانشجویان ممتاز و نگرش آنان نسبت به مسائل دانشگاه: *مجموعه مقالات دومین همایش ملی استعدادهای درخشان.*، اصفهان.

مختاری پور، مریم و جمشیدیان، عبدالرسول .(۱۳۸۲). بررسی موانع آموزشی و پژوهشی پرورش خلاقیت در دانشجویان استعداد درخشان دانشگاه اصفهان.*مجموعه مقالات دومین همایش ملی استعدادهای درخشان.*، اصفهان

Archambault, F. X. Westberg. K. L. Brown, S. W., Hallmark, B. W, Zhang, W., & Emmons, C. L.(1999). Classroom practices used with gifted third and fourth grade students. *Journal for the Education of the Gifted*, 1, 103-119.

Culross, R.(1997). Concepts of inclusion in gifted education. Teaching Exceptional Children, 29(3), 24-26.

Davis, G. A., & Bimm, S. B.(1986). Education of the gifted and talented. Englewood Cliffs. J:Prentice-Hall.

Hoover, S. M., Sayler, M., & Feldhusen, J. F.(1993). Cluster grouping and elementary students at the elementary level. *Roeper Review*, 16(1). 13-15

Howlly, J. C.(. (1986) Engaging the Curriculum in Higher Education, Buckingham:SRHE and Open University Pres

Kaplan, L.(2004). Helping gifted student with stress. www. Kidsource.Com.

Kerka,M، Gory.K؛ (1999). Creativity in adulthood. Eric clearing house on adult, Columbus.

Landry, L. (2001). Evidence-led Professional Creativity: a perspective from the General Teaching Council for England. Educational Action Research 12, 1 163-167.

Maker, C. J.(1982). Teaching models in education of the gifted. Austin, TX: Proed.

Mc-Neel. R.(2004). National survey of identification practices in gifted and talented education. Exceptional Children. 48(2). 124-132.

Midhanse , B.(1997). Challenging gifted students in regular classroom. www.Kidsource.Com.

Nellson،Y، and Wared, J. C. R.(1987). Activity based students induction, Motivation, Performance and professional socialization: Acas study International conference on Engineering Education August 6-10, oslo, Norway.

Renzulli, J. S & Gubbins, E. J.(1999). The National Research Center on the Gifted and Talented: Lessons learned and promises to keep. In J. A. Leroux(Ed), Proceeding of the 12th

Annual World Conference of the World Councilfor Gifted and Talented Children, Inc.(pp. 51-70). Seattle, WA:WCGTC.

Renzulli, J. S & Rimm, S. M., & Smith, L. H.(1981). The revolving door identification mode. Mansfield Center, CT:Creative Learning Press.

Rogross, S.(1996). Underachieving gifted students. Eric. EcDi. Gest. *www.Kidsource.Com*.

Seney ، R. (2001).. Academic emotions in students' self-regulated learning and achiev،ement: A program of qualitative and quantitative research. Educational Psychologist Review, 37, 91–106.

Snyder, B.(1999, Fall). Raising aspirations of girls. Vocational Guidance Quarterly, 37-43.

Tomlinson, C. A.(1996). Good teaching for one and all: Does gifted education have an instructional identity? Journal for the Education of Gifted, 20(2), 155-174

Torrance, E. P1990). *The manifesto: A guide to developng a creativecareer.* Westport, CT: Ablex.

Van Tassel-Baska, J.(1998a). The development of academic talent: A mandate for educational best practice. Phi Delta Kappan, 79(10), 760-763.

Westberg,K.(2003). Beyon I.Q:A triarchic theory of human intelligence. New York:Cambridge University Press